

تئودور آدورنو

فتیسیسم در موسیقی و وایس روی تنیدن

مترجم: سارا اباذری



فتیشیسم در موسیقی
و واپس روی شنیدن

نویسنده
مترجم
تنودور آدورنو
سارا ابادزی
(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

چاپ چهارم
تیراژ
چاپ اول
تابستان ۱۴۰۲
۷۰۰ نسخه
زمستان ۱۳۹۷

مدیر هنری
ناظر چاپ
حروف‌نگار
لیتوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی
حسین سجادی
مصطفی حسینی
سپیده
آرمانسا
صنوبر
آرمانسا

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۳۱۳-۷
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشرماه

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰
www.nashremahi.com

یادداشت مترجم

به یاد هرمین

آدورنو فیتیشسم در موسیقی و واپس‌روی شنیدن را در سال ۱۹۳۸ در نیویورک نوشت، زمانی که، پس از روی‌کارآمدن نازیسم در آلمان، به امریکا پناه برده بود و در دانشگاه پرینستون درباره‌ی تأثیر رادیو بر جوامع مدرن تحقیق می‌کرد. این متن در همان سال در جلد هفتم مجله‌ی تحقیقات اجتماعی^۱ در پاریس منتشر شد. نسخه‌ی بازنویسی شده‌ی آن، که مبنای ترجمه‌ی حاضر است، با تغییراتی جزئی در سال ۱۹۵۶ به چاپ رسید، همراه با سه مقاله‌ی دیگر و در مجموعه‌ای تحت عنوان دیسونانس‌ها، موسیقی در جهان اداره‌شده^۲. علاوه بر این مجموعه، بخش مهمی از نوشته‌های آدورنو درباره‌ی موسیقی در کتاب‌های زیر منتشر شده است: اشکال صوتی^۳؛ کورپتیتور وفادار، درس‌گفتارهایی در باب پراتیک موسیقایی^۴؛ همانند خیال^۵؛ لحظات موسیقایی^۶؛ و امپرومپتوس^۷. مجموعه‌ی منشورها^۸ نیز، در

1. *Zeitschrift für Sozialforschung*, 1938, Jg. 7, 321.

2. *Dissonanzen, Musik in der verwalteten Welt*, 1956, Göttingen, Vandenhoeck & Ruprecht.

3. *Klangfiguren*, 1959, GS, Bd. 16, 7-248.

4. *Der getreue Korrepetitor, Lehrschriften zur musikalischen Praxis*, 1963, Frankfurt a. M., S. Fischer-Verlag.

5. *Quasi una fantasia*, 1963, GS, Bd. 16, 249-540.

6. *Moments musicaux*, 1964, GS, Bd. 17, 7-161.

7. *Impromptus*, 1968, GS, Bd. 17, 163-345.

8. *Prismen*, 1955, GS, Bd. 10. 1, 9-287.

کنار موضوعات دیگر، حاوی چند مقاله‌ی مهم درباره‌ی موسیقی است. آدورنو همچنین در قالب تک‌نگاری‌هایی به بررسی موسیقی آهنگسازان مختلفی چون واگنر، برگ و مالر پرداخت و کتاب مشهورش، فلسفه‌ی موسیقی نو^۱، تلاشی است برای بسط ایده‌های اصلی کتاب دیالکتیک روشنگری^۲، بر اساس تحلیلی از موسیقی شونبرگ و استراوینسکی. آدورنو تحقیق ناتمامی نیز درباره‌ی بتهوون از خود به جای گذاشت که چند دهه پس از مرگش، تحت عنوان بتهوون، فلسفه‌ی موسیقی^۳، انتشار یافت. مجموعه‌ی نوشته‌های فوق طیف گسترده‌ای از مسائل تکنیکی، زیباشناختی، فلسفی، تاریخی و اجتماعی موسیقی را در بر می‌گیرد. آدورنو برای اولین بار در سال ۱۹۳۲ در مقاله‌ی «درباره‌ی وضعیت اجتماعی موسیقی»^۴ به رابطه‌ی موسیقی با جامعه پرداخت. بعدها جامعه‌شناسی موسیقی به یکی از محورهای اصلی تحقیقات وی بدل شد. در سال ۱۹۵۸، در مقاله‌ی «ایده‌هایی درباره‌ی جامعه‌شناسی موسیقی»^۵، اصول بنیادین نظریه‌اش را تبیین کرد و مجموعه‌ی درس‌گفتارهایش در دانشگاه فرانکفورت (۱۹۶۱-۱۹۶۲)، که بعدها در کتابی با عنوان درآمدی بر جامعه‌شناسی موسیقی، دوازده درس‌گفتار نظری^۶ به چاپ رسید، نمودی است از این رویکرد درباره‌ی موضوعات مختلفی چون انواع رفتارهای موسیقایی، موسیقی به‌مثابه‌ی

1. *Philosophie der neuen Musik*, 1949, GS, Bd. 12.

2. *Dialektik der Aufklärung*, 1944, GS, Bd. 3.

3. *Beethoven, Philosophie der Musik*, 2004, Frankfurt a. M., Suhrkamp.

4. "Zur gesellschaftliche Lage der Musik", 1932, in *Zeitschrift für Sozialforschung*, Jg. 1, 103-356.

5. "Ideen über Soziologie der Musik", 1958, in *Gesellschaft Schweizer Monatshefte*.

6. *Einleitung in die Musiksoziologie, Zwölf theoretische Vorlesungen*, 1968, Reinbek bei Hamburg, Rowohlt.

ایدئولوژی و رابطه‌ی آن با طبقات و اقشار اجتماعی، نقد موسیقی و غیره.

چنان‌که اشاره شد، فetišسیم در موسیقی و واپس‌روی شنیدن از اولین آثار آدورنو درباره‌ی موسیقی به شمار می‌رود. این مقاله به تحلیل دو فرآیند کلیدی می‌پردازد که با گذشت هشتاد سال هنوز هم جزو مشخصه‌های اصلی حوزه‌ی موسیقی هستند (و نمودهایشان هم اکنون در حوزه‌ی موسیقی ایران نیز مشاهده می‌شود). از یک سو، آدورنو، با استفاده از دستگاه نظری، مقوله‌ها و تحلیلی برگرفته از مارکس، تغییر کارکرد موسیقی و تبدیل شدن آن به کالا را بررسی می‌کند و مکانیسم آن تحولاتی را روشن می‌سازد که آثار موسیقایی، هنگام بدل شدن به تولید انبوه بازاری، به آن‌ها دچار می‌شوند. از سوی دیگر، تحت تأثیر نظریه‌ی فروید، نقش این موسیقی کالایی شده را در چگونگی شنیدن موسیقی آشکار می‌کند که نتیجه‌اش «واپس‌روی» و «سکون در مرحله‌ی کودکی» است. آدورنو این تحلیل را با روشی دیالکتیکی انجام می‌دهد، روشی که، به‌ویژه در عرصه‌ی موسیقی، آثار او را بدل به آلترناتیوی در مقابل دو دیدگاه رایج در این عرصه می‌کند: از یک سو، در برابر دیدگاه و کنش سیاسی-اجتماعی‌ای مبتنی بر سیستمی ویژه که از بیرون ارزش‌های خاصی را بر آثار و پراتیک‌های موسیقایی تحمیل می‌کند (مثلاً در حوزه‌ی موسیقی ایران، اصطلاحاتی چون «ایرانیت»، «سنت» و «اصالت»، بنا بر شرایط تاریخی-اجتماعی و همچنین اراده و تصمیم‌های قدرت حاکم، بر محتوای تحلیل موسیقی چیره می‌شوند)؛ و از سوی دیگر، در برابر دیدگاهی نسبی‌انگارانه، دیدگاهی که آثار موسیقایی را در نهایت موضوع ذوق فردی می‌داند و هرگونه داوری را مردود می‌شمارد، چه در باب کیفیت این آثار

هر هنر «سبک» و خوشایندی
بدل به وهم و دروغ شده است:
دیگر نمی‌توان از آنچه از حیث زیباشناختی
در مقولات لذت ظاهر می‌شود لذت برد و
وعده‌ی سعادت را، که زمانی تعریف هنر بود،
دیگر در هیچ‌کجا نمی‌توان یافت،
مگر آن‌جا که نقاب از چهره‌ی سعادت دروغین برافکنده شود.



نسترمای

ISBN 978-964-209-313-7



9 789642 093137